سرخط

فارس: امیر سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش: با بررسی عملکرد سازمان عقیدتی سیاسی ارتش به‌خوبی درمی‌یابیم آنچه در ارتش ما در ۳۸ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی رخ داده چیزی شبیه معجزه است.

ایرنا: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با صدور بیانیه‌ای، ضمن قدردانی از پاسخ قاطع مسئولان کشورمان به گستاخی ترامپ، سخنرانی ضد ایرانی رئیس‌جمهوری امریکا را محکوم کرد و این کشور را بزرگ‌ترین ناقض حقوق بشر و قوانین بین‌المللی دانست.

مهر: به مناسبت سومین سالگرد ارتحال حضرت آیت‌الله مهدوی کنی، مراسم بزرگداشتی روز جمعه ۲۸ مهر در مسجد دانشگاه امام صادق(ع) برگزار خواهد شد. در این مراسم، حجت‌الاسلام سیدابراهیم رئیسی تولیت آستان قدس رضوی سخنرانی خواهد کرد.

یادداشت

عباس حاجی‌نجاری

سخنان ترامپ، فرصتی برای اجماع ملی

با بررسی اجمالی تاریخ گذشته انقلاب فرازهای بسیاری را می‌توان یافت که به رغم عزم دشمنان در تشدید فشارها و تهدیدها و از خودباختگی برخی از فعالان داخلی این انسجام و وحدت ملی در امتداد تصمیمات و تدابیر هوشمندانه بود که آن فشارها و تهدیدات را به فرصتی برای تحکیم اقتدار و تقویت وحدت و انسجام ملی تبدیل کرده است.

ماجرای این روزهای شاخ و شانه کشیدن ترامپ علیه ملت ایران و پیامدهای آن را باید یکی از این فرازها دانست. هفته گذشته و قبل از اعلام مواضع اخیر مسئولان امریکایی علیه مردم ایران، ترامپ بعد از نشست با فرماندهان نظامی امریکا در مورد نحوه تعامل با ایران، در پاسخ به سؤال خبرنگاران درباره فرجام برجام می‌گوید: به زودی خبرهایی درباره ایران خواهید شنید. وی در پاسخ به سؤالی دیگر از آرامش قبل از توفان سخن به میان آورد و گفت: می‌دانید این جمع نماینده چه چیزی است؛ آرامش قبل از توفان. ترامپ که قبل از آن نشست مشابه همان مواضع جمعه شب را علیه مردم ایران گرفته بود، در پاسخ به خبرنگاران که پرسیدند چه توفانی، می‌گوید که ما نظامیان بزرگ دنیا را در این سالن داریم به شما خواهند گفت. بعد از این نشست بود که رسانه‌های امریکایی از تصمیم ترامپ برای اعلام سپاه به عنوان یک گروه تروریستی سخن به میان آوردند. این مواضع تهدید گونه کافی بود که برخی را در داخل با خود همراه کند و بترساند و بلرزاند و در روزنامه خود بنویسند که در شب سخنرانی ترامپ هیچ شهروند مطلعی را نمی‌شود پیدا کرد که بگوید استرس ندارد. خسته نیست و احساس ناامنی را دوباره تجربه نمی‌کند و ...

اما برخلاف نظر این سرمقاله‌نویس که روحیه‌اش بیانگر اثرپذیری از عملیات روانی ترامپ برای اثرگذاری بر دستگاه محاسباتی نخبگان و مسئولان است، در طول هفته گذشته مواضع صریح فرمانده کل سپاه خطاب به امریکایی‌ها مبنی بر قلمداد شدن ارتش امریکا همسنگ داعش در صورت قلمداد کردن سپاه به عنوان گروه تروریستی و یا ضرورت انتقال پایگاه‌هایشان به فاصله ۲هزار کیلومتری از مرزهای ایران و پس از آن مواضع قاطعانه رئیس‌جمهور در حمایت از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نوع خود کم‌نظیر بود، سبب شد که ترامپ در یک عقب‌نشینی آشکار ادعای پیشین خود را انکار و البته تلاش کند از طریق وزارت خزانه‌داری، بخش‌هایی از سپاه را تحریم کند که البته این خود مغایر برجام است.

مروری بر مهمل‌گویی ترامپ در سخنان جمعه شب خود علیه مردم ایران بیانگر این حقیقت تلخ برای امریکایی‌هاست که آنچه که سبب اصلی عصبانیت امریکایی‌هاست نه تنها توان هسته‌ای یا موشکی ایران، بلکه شکست و ذلت امریکا در برابر گسترش حوزه نفوذ ایران و سردرگمی این به ظاهر ابرقدرت جهانی در اتخاذ یک استراتژی روشن در مواجهه با تحولات منطقه است.

سخنان ترامپ نشان داد که او و تیم هدایت‌کننده‌اش هیچ شناختی از روند تحولات منطقه نداشته و در دام سناریوهای مثلث صهیونیسم، ارتجاع عرب و منافقین گرفتار شده‌اند. برخورد متکبرانه ترامپ با مردم فهیم ایران و تروریست قلمداد کردن آنها و در عین حال به کارگیری واژه مجعول برای خلیج فارس، نشانگر این است که او نه تاریخ را مطالعه کرده و نه جغرافیا را می‌شناسد. اما درعین حال تلاش دارد با فرافکنی و انحراف توجه مردم امریکا از ضعف‌ها و مشکلات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، عملاً ناکارآمدی هیئت حاکمه امریکا را پنهان سازد.

هدف اصلی ترامپ و تیم تصمیم‌ساز پشت سر او، در این عملیات روانی و سیاسی و اقتصادی، ایجاد تقابل و دوقطبی در داخل و رودررو قرار دادن مردم با سپاه و القای اینکه این سپاه است که عامل این شرایط و مشکلات و سختی‌های مردم است، اما به رغم آنها مواضع ترامپ و نوع مواجهه آنها با برجام، به تجربه ارزشمندی برای مردم ایران تبدیل شد تا به این حقیقت برسند که دولت امریکا فاقد یک نظام تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر قابل اتکاست که هرگونه اعتماد به وعده‌ها و قرارهای آن سرابی بیش نیست.

روشن شدن ماهیت امریکا پس از سخنان ترامپ در عین ایجاد یک اجماع ملی در مواجهه با فزون‌خواهی‌های نظام سلطه انسجام ملی در حمایت از سپاه و دیگر نیروهای انقلاب را به دنبال خود داشت که در این میان سخنان آقای روحانی و ظریف و دیگر مسئولان دولتی، عملاً خنثی کننده سناریوی طراحی شده دشمنان است.

آنچه که به عبور قدرتمندانه از این شرایط کمک می‌کند توجه به چند نکته اساسی است:

۱ـ حفظ وحدت و انسجام ملی و پرهیز از تقابل و رودررویی نیروهای داخلی مهم‌ترین اصل در مواجهه با این شرایط است. مقام معظم رهبری در ۲۲ خرداد ماه امسال، بر این نکته در مواجهه با امریکا تأکید می‌فرمایند که اگر همه تلاش کردیم می‌توانیم بایستیم و می‌توانیم استقامت کنیم، می‌توانیم دشمنان را به زانو در بیاوریم، اگر همه با هم باشیم.

۲ـ دشمن تلاش دارد برجام را به ابزاری برای به گرو کشیدن مردم ایران تبدیل کند، بهانه‌جویی نسبت به عدم پایبندی ایران به برجام، تبدیل آن به بستری برای تحریم نیروها و نهادهای اثرگذار در کشور یا تلاش برای کشاندن ایران به پای میز مذاکره در عرصه‌های دیگر و تضعیف توان موشکی و یا حمایت ایران از نیروهای مقاومت، نشان از کارکرد معکوس برجام برای مردم ایران دارد. مواضع صریح آقای روحانی و ظریف در مورد ترک برجام در صورت تداوم بدعهدی‌ها می‌تواند گامی آغازین در توجه به ظرفیت و کارکرد واقعی این توافق داشته و انتظار از آن متناسب با ظرفیتش باشد، نه فتح‌الفتوح و یا ...

۳ـ نقطه ثقل و تمرکز دشمن بر تشدید تحریم‌ها، وجود این باور در آنان است که با تشدید تحریم‌ها قادر به ایجاد نارضایتی اجتماعی و به صحنه کشاندن مردم در مقابله با نظام هستند. این امر اگر چه بطلاتش در ماه‌ها و سال‌های اخیر ثابت شده است، اما توجه و تمرکز بر اقتصاد مقاومتی عملاً می‌تواند امید دشمن به اثرگذاری از این طریق را ناامید کند. دشمن باید به عینه ببیند که کشور معطل و وابسته تصمیمات او در برجام و غیر برجام نیست.

۴ـ امریکایی‌ها باید با همه وجود احساس کنند که مسئولان کشور در واکنش و اقدام متقابل در جایی که پای منافع و حقوق ملت در میان باشد محکم ایستاده‌اند. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: اگر ما در مقابل دشمنی دشمنان با شجاعت و اقتدار نایستیم، ما را خواهند خورد. خواهند بلعید ... ما مسئول کشوریم، مسئول ملتیم، مسئول تاریخیم، نباید اجازه بدهیم.»

نکته

رضایی در دیدار سفیر آلمان:

مواضع ترامپ تمسخر ۵ کشور طرف مذاکره با ایران است

اینکه ترامپ به یک توافق بین‌المللی پشت پا بزند، نوعی اهانت و تمسخر پنج کشور دیگر طرف مذاکره ایران به حساب می‌آید.

به گزارش تسنیم، محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام روز گذشته در دیدار با سفیر آلمان در ایران با اشاره به اظهارات ابلهانه، خصمانه و ضدایرانی دونالد ترامپ، گفت: مواضع ترامپ تبدیل به یک مشکل جهانی شده است که قطعاً برای اروپا نیز دردسر ایجاد می‌کند. او اینک در یک طرف منازعات منطقه قرار گرفته و درگیری را از سطح دولت‌ها به مسائل اختلافی میان ملت‌ها کشانده است. هیچ یک از روسای جمهور امریکا تاکنون از واژه مجعول خلیج عربی استفاده نکرده بودند. خلیج فارس یک ارزش ملی است و چه موافقان و چه مخالفان به خلیج فارس علاقه دارند. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: ما عاقبت خوبی برای آقای ترامپ نمی‌بینیم، اینکه به یک توافق بین‌المللی پشت پا بزند، رفتاری زشت است و نوعی اهانت و تمسخر سایر کشورها به ویژه پنج کشور دیگر طرف مذاکره ایران به حساب می‌آید. آقای ترامپ با این اظهارات، سرنوشت خوبی نخواهد داشت. رضایی گفت: ما خویشتندارانه و با تدبیر رفتار می‌کنیم، ولی اگر کسی خیال خامی درباره ایران در سر داشته باشد، درمقابل او خواهیم ایستاد. آقای ترامپ علاوه بر اینکه بلوف‌های بسیاری زده است، اما احتمالاً مشاورانش درباره اقتدار نیروهای مسلح ما به او اطلاعاتی داده‌اند که موجب شده، بخشی از رفتار ترامپ در مقایسه با اتهامات سابق وی حالت عقب‌نشینی داشته باشد.

وی افزود: فرستادن بررسی توافق به کنگره هم نوعی عقب‌نشینی محسوب می‌شود، زیرا کنگره نمی‌تواند از برجام بیرون بیاید. احتمالاً در کنگره تحریم‌های جدیدی وضع می‌کنند، ولی خروج از برجام برایشان بسیار مشکل است. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام همچنین در خصوص روابط ایران و آلمان گفت: موضوع آلمان و روابطش با ایران حاکی از ارتباطی تاریخی و ویژه است. مردم ما تصور خوبی از آلمان دارند که با منفعت دو سویه همراه بوده است و از آلمان انتظار داریم همکاری‌های اقتصادی خود را در امور بانکی و صنعتی با ایران گسترش دهد. میکائیل کلور برشتولد سفیر آلمان نیز با قدردانی از دیدگاه‌های دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: دیگرانی هستند که نزد دولتمردان امریکا، تبلیغات ضد ایرانی و ذهنیت‌سازی می‌کنند. آنها نزد ترامپ هم این کار را کردند نحوی که گفته می‌شود آقای ترامپ خریداری شده است. وی افزود: بعید می‌دانم ترامپ فرق بین شیعیان و تکفیری‌ها را بداند و ما این آمادگی را داریم که برای درک بهتر از تلاش نیروهای ایرانی در مبارزه با تروریسم، گفت‌وگوهایی را در اروپا سامان دهیم.

گزارش

کبری آسوپار

چرا امریکا از پاسداران انقلاب اسلامی عصبانی است؟

سپاه ایستاده علیه تروریسم

ترامپ عصبانی است و آنچه درباره سپاه بر زبان می‌راند و عمل می‌کند، بیشتر به نعره‌های گرگی زخمی شباهت دارد که می‌کوشد آخرین موانع رسیدن به هدف را از سر راه بردارد. او بیش از سایرین می‌داند سپاه در معادلات ضدتروریستی جهان کجا ایستاده و چه می‌کند؛ دقیقاً سنگینی پوتین‌های پاسداران انقلاب اسلامی را روی گلوی منافع جاه طلبانه ایالات متحده حس می‌کند. امریکا می‌خواهد کدخدای دهکده جهانی باشد، سپاه به عنوان بازوی دفاعی جمهوری اسلامی نمی‌گذارد. ترامپ عصبانی است، مثل همه روسای جمهور قبلی ایالات متحده که از پاسداران انقلاب اسلامی عصبانی بودند. ایالات متحده با رئیس‌جمهوری که بر خلاف رقبای دموکراتش ابایی از آشکار کردن منویات قلبی‌اش ندارد، ناگاه هدف نهایی همه تلاش‌هایش علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ایران را بیرون ریخت؛ شما تروریست هستید! مسیری را که دولت‌های مختلف امریکا با نرمی پیش می‌رفتند تا در نهایت در افکار عمومی جهان تروریست بودن ایرانی‌ها و به طور خاص یکی از بازوهای نظامی جمهوری اسلامی ایران را جا بیندازند، که البته سرش به سنگ خورد! او تازه از راه رسیده است و فکر نکرد معادلات امروز نظامی جهان با آنچه در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ۵۷ وجود داشت، خیلی متفاوت است. او به چه اندیشید که خواست برابر سپاه اینگونه بایستد؟ سپاه چه کرده بود که ترامپ در سال اول دولتش، یکی از اهداف اصلی‌اش را مقابله با سپاه قرار داد؟ باید نوشته را به میدان مناقشه برد تا روشن شود سپاه در چه سویی ایستاده است که ترامپ را عصبانی می‌کند.

■ نبرد ضدتروریست‌های مورد حمایت امریکا، از گذشته‌های دور

کشور بوسنی خاطرات پررنگی از دفاع پاسداران انقلاب اسلامی از مردمش دارد. جنگ بوسنی جنایت‌های جنگی متعدد داشت و سپاه گرچه قدرت امروزی را نداشت، اما کنار مردم بوسنی ایستاد. سپاه وقتی هم که صدام مقابل مردم خودش صف کشید، حامی کردها بود. کردستان عراق هر چند امروز در تضاد منافع با ایران باشد، نمی‌تواند دوران طولانی حمایت ایرانی‌ها از خودش را برابر صدام فراموش کند. همین سال‌های اخیر هم در نبرد با داعش، این سپاه پاسداران ایران بود که به کمک کردهای عراق و سوریه رفت. همه اینها خط نفوذ ایالات متحده بود که گرچه با ضعف دیپلماسی عمومی دولت‌های مختلف در ایران، ثمردهی لازم را نداشت، اما سنگری مقابل جاه‌طلبی‌های امریکا درست می‌کرد. در جنوب لبنان، ماجرا فراتر از ایجاد سنگر بود؛ با دخالت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عملاً سرزمین‌های اشغال شده توسط رژیم دوست و برادر امریکا آزاد شد و به صاحبان اصلی‌اش یعنی مردم لبنان رسید. سپاه همه جا نماینده ایستادگی جمهوری اسلامی مقابل منافع امریکا و اسرائیل شد.

■ سوریه میدان نبرد نیابتی امریکا با سپاه

سوریه مثال روشن و زنده‌ای است. شش سال از جنگ سوریه و سه سال و اندی از ورود داعش به عراق می‌گذرد. جبهه‌ای که یک سوی آن دولت قانونی بشار اسد قرار دارد و سوی دیگر مخالفان دولت بشار اسد؛ کسانی که رسانه‌های غربی و دولت امریکا اصرار زیادی داشتند که آنها را مردم سوریه بنامند. صحنه‌های نبرد در سوریه دلخراش و آزار دهنده است. زمان نه چندان کمی طول کشید تا بسیاری دریابند توحش عریانی که در نبرد سوریه می‌بینند، نمی‌تواند کار یک مخالف سیاسی باشد و ماجرا گسترده‌تر از تعارض سیاسی داخلی است. نسبت دادن آن توحش به مردم سوریه جفا در حق ملتی بود که همیشه آرامش را برای منطقه خواسته بودند. سپاه در دفاع از امنیت مردم سوریه و البته به درخواست دولت قانونی آنها مقابل خواست امریکایی‌ها که سرنگونی دولت قانونی بشار اسد بود، ایستاد. پیکر شهدایی که به ایران برمی‌گردد (یا حتی برنمی‌گردد!) فقط نمایش بخش کوچکی از این ایستادگی است. اما امریکا کجای این نبرد بود؛ شرح ماجرا در این مجال نمی‌گنجد و فقط یادآوری همان بخش از سخنان ترامپ در رقابت انتخاباتی با هیلاری کلینتون کفایت می‌کند که بارها تکرار کرد داعش را دموکرات‌ها و اوباما و کلینتون به وجود آوردند. سپاه این بار هم مقابل منافع نامشروع امریکایی‌ها ایستاد و ترامپ حتی اگر بخواهد آنچنان که وعده انتخاباتی‌اش بود، از خاورمیانه بیرون برود و به امور داخلی کشورش بپردازد، نمی‌خواهد این خروج با اجبار سپاه باشد.

پاسداران انقلاب اسلامی با حضور قدرتمند و موفق در عراق و سوریه باعث شدند تا امریکا قهرمان مبارزه با تروریسم نباشد. به عنوان یک نماد، نگاهی به سطح محبوبیت قاسم سلیمانی در خاورمیانه و به خصوص در عراق و سوریه بیندازید؛ آیا ترامپ حق ندارد عصبانی باشد؟

■ سپاه، ایده‌ای که نمی‌میرد

در منطقه‌ای که ملک طلق ایالات متحده بوده و هم‌پیمانان صهیونیست‌شان هم از فرط خوشی، نقشه نیل تا فرات می‌کشیدند، نیروی قدس به عنوان بازوی دفاعی برون مرزی سپاه قد علم کرد تا اسلحه‌شان پناه مردمی باشد که زورشان به استکبار نمی‌رسیده است. سپاه بر خلاف آنچه شاید بسیاری بپندارند، یک نیروی نظامی صرف نیست که با تحریم و محدودیت و حتی در احمقانه‌ترین حالت، با تروریستی نامیده شدن، ضعیف شود یا در تخیلی مضحک از بین برود. سپاه یک مدل زیستن در دنیای سیاست است. مدلی که می‌آموزد باید مقابل ستمگر، مقابل استعمار و استثمار ایستاد، اگرچه با دستان خالی. سپاه مدلی از حیات سیاسی است که روی پاهای خودش می‌ایستد و با خودکفایی و بی نیازی از قدرت‌های بزرگ قدم‌های اول مقاومت را برمی دارد. این مدل زیست سیاسی را امام خمینی (ره) بنیان گذاشت و آن «وَأَعِدّوا لَهُم مَا استَطَعتُم مِن قُوَّه» روی آرم سپاه، آیه مقاومت مومنانه است که امام برای مردم تئوریزه کرد و با فرمان تشکیل سپاه پاسداران مدل عملی آن را به مردم نشان داد. سپاه موشک و ساختمان و تسلیحات و نیروهای انسانی نیست؛ بلکه تصویری از مقاومت و مجاهدت در راه هدف مشروع و ایستادگی مقابل مستکبرین است و این تصویر و این ایده و این مدل زیست سیاسی سال‌هاست در ملت‌های مختلف تکثیر شده و دیگر حتی به فرض محال با از بین رفتن تشکیلات سپاه در ایران هم از بین نخواهد رفت. سپاه امروز فقط در ایران نیست؛ حزب‌الله لبنان تصویر دیگری از این مدل و ایده زیست سیاسی است. انصار الله یمن، حشدالشعبی عراق، لشکرهای فاطمیون و زینبیون و حیدریون؛ مدل سپاه و تئوری ایستادگی خمینی کبیر سال‌هاست از جغرافیای ایران فراتر رفته و با تحریم و محدودیت و تروریسم از بین نمی‌رود. آنچه ایالات متحده را عصبانی کرده، همین عمق نفوذ است. همین که سپاه می‌تواند قهرمان بلامنازع مبارزه با تروریسم و پناه مردم مستضعف باشد.

■ نسبت سپاه با تروریسم

سپاه و تروریسم؛ میان این دو حتماً نسبتی است؛ اما نه آنچنان که ایالات متحده سال هاست می‌خواهد جا بیندازد که سپاه حامی تروریسم است، بلکه در نقطه مقابل نظر امریکا، سپاه سال‌هاست با تروریسم می‌جنگد و اگر نگاهی به وسعت ایستادگی سپاه مقابل تروریسم و کمک‌های فراوان به مردم کشورهای مختلف برای مبارزه با تروریست‌ها بیندازیم، بی‌راه نخواهد بود که سپاه را بزرگ‌ترین تشکیلات ضد تروریستی جهان بنامیم. اینگونه است که جهان امنیت خود را مدیون مجاهدت پاسداران انقلاب اسلامی ایران است. حالا خود قضاوت کنید؛ امریکا، مدعی کدخدایی جهان حق ندارد عصبانی باشد؟

خبر

رئیس کمیته تفحص از دو تابعیتی‌ها:

مسئله دوتابعیتی‌ها را با جدیت دنبال می‌کنیم

از هفته آینده که جلسات مجلس شروع خواهد شد، جلسه کمیته تحقیق و تفحص از دو تابعیتی‌ها برگزار خواهد شد.

جواد کریمی‌قدوسی، رئیس کمیته تفحص از دو تابعیتی‌ها و عضو کمیسیون امنیت‌ملی و سیاست‌خارجی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با تسنیم، با اشاره به طرح تحقیق و تفحص از دوتابعیتی‌ها در مجلس شورای اسلامی، گفت: بنده به عنوان رئیس کمیته تحقیق و تفحص از دو تابعیتی‌ها اعلام می‌کنم که همه باید نسبت به این موضوع حساس باشند، چرا که این مسئله در حال تبدیل شدن به یک نگرانی بزرگ در کشور است.

وی گفت: به هیچ عنوان قابل قبول نیست که یک مسئول دوتابعیتی در کشور ما و در دولت ما حضور داشته باشد، چرا که این مسئله از چند بعد از جمله ابعاد امنیتی خطرناک و غیرقابل توجیه است. رئیس کمیته تحقیق و تفحص از دوتابعیتی‌ها، گفت: از هفته آینده که جلسات مجلس شروع خواهد شد، جلسه کمیته تحقیق و تفحص نیز برگزار خواهد شد؛ ما تلاش داریم با دقت مسئله را بررسی و به هیئت‌رئیسه و دیگر نمایندگان مجلس گزارش کنیم؛ اتفاقاتی که اخیراً در کشور رخ داده نشان می‌دهد که ما باید نسبت به مسئله دوتابعیتی‌ها حساس باشیم و اجازه ندهیم این افراد برای امنیت ما مسئله‌ساز شوند.

ویژه

■ عصبانیت روزنامه اصلاح‌طلب از اینکه چرا دنبال برجام‌های دیگر با اوباما نرفتیم!

در حالی که این روزها مواضع ضد ایرانی رئیس‌جمهور امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، زنجیره تحریم‌های این کشور علیه کشورمان را تکمیل‌تر می‌کند و دستکش چدنی امریکا آشکارتر می‌شود، روزنامه اصلاح‌طلب بهار روز گذشته در تیتر نخست خود با عنوان «فرصت طلایی از دست رفته» ضمن اینکه جمهوری اسلامی ایران را به نقض روح برجام متهم کرد، از اینکه دستگاه دیپلماسی با دولت قبل امریکا وارد برجام‌های دیگر نشده است، انتقاد کرد.

نویسنده بدون اشاره به آوردن شواهدی برای ادعاهای خود نوشته است: اگر قرار باشد صریح باشیم باید بگوییم که واقعیت هم جز این نیست هم ایالات متحده و هم ایران (!) روح برجام را که به معنای همکاری و گفت‌وگوهای مشترک و بر مبنای حسن نیت است به دفعات نقض کرده‌اند.

این روزنامه فرصت طلایی مورد ادعای خود را بین تیر ۹۴ تا بهمن ۹۵ (روی کار آمدن ترامپ) توصیف کرده و از اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران به درخواست مقام‌های امریکایی وارد گفت‌وگو و همکاری (بخوانید برجام‌های ۲ و ۳ و ...) در موضوعات منطقه‌ای مانند بحران سوریه یا مسائل حقوق بشری با اروپا نشده است، انتقاد کرده است. گویی دستکش مخملین اوباما و کری به خوبی توانسته است این نگاه را بفریبد. در مضحک بودن این ادعا همین بس که سابقه خصومت امریکا با جمهوری اسلامی نه در سال‌های اخیر که به ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ برمی‌گردد که به اشکال مختلف با تحمیل جنگ هشت ساله، نا آرامی‌های اوایل انقلاب در حمایت از گروهک‌ها، تحریم‌ها، فتنه ۸۸ و موارد متعدد دیگر بر می‌گردد. بنابراین مسئله هسته‌ای تنها یک بهانه است و آنها دنبال از بین بردن مولفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران یکی پس از دیگری هستند. بنابراین تحلیل سطحی از وقایع اگر از روی ساده لوحی نباشد، بازی در میدانی است که دشمن طراحی کرده است.

یادداشت

فرهاد نظریان سامانی

بازی «پلیس خوب پلیس بد» با ایران؟

محمدجواد ظریف، وزیر محترم امور خارجه شنبه شب در برنامه نگاه یک تلویزیون به صراحت بیان داشت: بر خلاف سال‌های قبل، اروپایی‌ها امروز در مقابل امریکا ایستاده‌اند. در ماه‌های آینده خواهیم دید که اروپا تا چه میزان جلوی امریکا می‌ایستد و از منافع خود دفاع می‌کند.

اظهارات وزیر خارجه کشورمان در حالی مطرح شد که دیروز دو کشور عضو ۱+۵ (نخست وزیر انگلیس و صدر اعظم آلمان) در همراستایی با مواضع ضد ایرانی دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا در بیانیه‌ای بر لزوم فشار جامعه بین‌المللی بر ایران به منظور آنچه اقدامات تنش زای تهران در خاورمیانه و توقف برنامه موشکی خواندند تاکید کردند.

در آستانه مواضع ضد برجامی دولتمردان امریکایی و خصوصاً پس از اظهارات سخیف و خصومت آمیز ترامپ، نگاه دولت در یک چرخش رویکردی به سمت حمایت کشورهای اروپایی برای مقابله با امریکا برای حفظ برجام منعطف شده است و این تغییر نگاه در حالی رخ می‌دهد که دولت تکیه اساسی خود را برای به سرانجام رساندن مذاکرات هسته‌ای معطوف به اقدامات و تصمیمات امریکایی‌ها کرده و کشورهای اروپایی در یک حاشیه فرعی نگریسته می‌شدند. متأسفانه دولتمردان ما در یک خطای راهبردی، تمام تخم مرغ‌های خود را در سبد امریکا نهاده و با اعتماد کامل به آینده اقدامات آنها، برجام را صاحب آینده درخشان معرفی کردند. در هر حال این موضوع هرچند یک بحث مهم است ولی می‌طلبد پیرامون نقش‌های راهبردی و تکنیکی برجام در مجالی دیگر بحث کرد. اما موضوع اصلی ما این است که امروز چه فضایی برای جمهوری اسلامی ایران گسترانده شده است و هر یک از بازیگران این فضا چه نقشی را بر عهده دارند؟

آنچه می‌توان از شواهد بسیار مشهود و تجربه‌ها بیان داشت این است که یک بازی سیاسی علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی آغاز شده است و در این بازی نقطه مقابل ایران، اروپا و امریکا با نقش‌های متفاوت ایستاده‌اند. امریکا می‌گوید برجام خطرناک است و ضد منافع ملی امریکایی هاست و باید از بین برود و با چاشنی کردن مسائل راهبردی دیگر از جمله فعالیت‌های موشکی ایران و حضور میدانی در منطقه را به عنوان دستمایه وضع تحریم‌های جدید، به عنوان راه حلِ از بین بردن خطرات برجام بیان می‌دارد.

در اظهارات و فعالیت‌های امریکایی‌ها اینگونه احساس می‌شود که آنها در ظاهر برجام را نمی‌خواهند- درحالی که در باطن به هیچ وجه حاضر به خروج از آن نیستند- مگر اینکه ایران را در سایر مولفه‌های قدرت خود، مضمحل کنند و این برجام هراسی مستمسکی است تا اهرم فشاری شود که طرف ایرانی چاره‌ای جز آغاز مذاکره مجدد در مسائل مهم و راهبردی خود نداشته باشد.

از طرفی دیگر اروپا با یک اختلاف تاکتیکی، مواضع خود را متفاوت تر از ترامپ بیان می‌کند. اروپایی‌ها در اظهارنظرهای خود برجام را صاحب مقبولیت بین‌المللی می‌خوانند و خود را متعهد به انجام آن معرفی می‌کنند ولی از طرفی اشاره‌ای هم به برخی از فعالیت‌های جمهوری اسلامی می‌کنند که از منظر ترامپ تنش زاست که دقیقاً با یک همراهی نرم با مواضع ترامپ محسوب می‌شود.

این بازی و الفاظ و ادبیات به کارگرفته شده توسط سران امریکایی و اروپایی، همان بازی قدیمی «پلیس خوب و پلیس بد» است که پیش از این نیز در سیر نهایی شدن برجام توسط برخی کشورها مخصوصاً فرانسه انجام شد و اینک با ترفندهای زیرکانه درصدد اجرایی شدن آن هستند.

به نظر این محتمل خواهد بود که اروپا به عنوان پلیس خوب سعی می‌کند ایران را متقاعد کند که اگر قرار باشد ما از برجام حمایت و ترامپ را ساکت کنیم، باید با ادامه رویکرد برجام، برجام ۲ و ۳ را پیرامون سایر مسائل مورد مناقشه راه بیندازیم تا ما بتوانیم فراخ‌تر از ایران حمایت کنیم. این دقیقاً همان خواسته امریکاست و اگر کسی امروز بگوید سخنان ترامپ پیرامون برجام از این منظر است که برجام برای امریکا ضرر آفرین بوده، مطمئناً در تحلیل‌های خود دچار خطا شده است و ماجرا را باید اینگونه با واقعیت گره بزنیم که برجام هراسی صرفاً ایجاد وحشتی است تا ایران را حاضر و ناچار از پذیرفتن مذاکره مجدد کنند. مسئولان دیپلماسی کشور از این بابت باید زیرکانه عمل کرده و هرگونه مذاکره مجدد را پایان برجام خطاب کنند و اگر پیامی از جانب ایران برای تجدید مذاکره صادر شود، قطعاً زمینه‌های خطرناکی برای منافع ملی پیش خواهد آمد که زیان آن تا نسل‌های بسیار آتی ادامه خواهد یافت.

گزیده خبر

یک نماینده مجلس تأکید کرد

ضرورت تدوین استراتژی مقابله با تحریم‌ها

یک عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، از دولت خواست وقت را تلف نکند و ستاد تدابیر ویژه اقتصادی را برای تدوین استراتژی مقابله با تحریم‌ها فعال کند.

محمد حسینی در گفت‌وگو با مهر، با اشاره به یاوه‌گویی‌های رئیس‌جمهور امریکا در خصوص ایران اظهارداشت: دشمنی ایالات متحده امریکا با جمهوری اسلامی مربوط به ۴۰ سال قبل است و از همان ابتدا تحریم‌های ظالمانه‌ای علیه ملت ایران وضع شد. وی ادامه داد: در چند سال گذشته هم با توجه به مذاکرات بسیار خوبی که انجام شد، برجام در مواردی توانست تحریم‌های ظالمانه را برای مدتی متوقف کند اما رئیس‌جمهور امریکا در سخنان خود بر لزوم استمرار تحریم‌ها و بازگشت مجدد آنها تأکید کرد تا فشارهای جدیدی بر اقتصاد ایران تحمیل شود.

وی اظهارات رئیس‌جمهور امریکا در خصوص سپاه پاسداران را وقیحانه و دور از انتظار خواند و گفت: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش‌های متعدد خود اعلام کرده است که ایران به تمام تعهدات عمل کرده است.

حسینی با بیان اینکه تنها ناقض برجام امریکا بوده است، افزود: امریکا تحریم‌های بانکی و بسیاری از تحریم‌های دیگری که قرار بود طبق برجام حذف شود، ابطال نکرد تا فشار اقتصادی بر ایران ادامه داشته باشد. این نماینده مجلس با تأکید بر لزوم برنامه ریزی ایران برای مقابله با مصوبات کنگره و دستورهای نابخردانه ترامپ در زمینه فشار اقتصادی بر ایران، گفت: با توجه به فضای اقتصادی کشور و تمایل اتحادیه اروپا به ادامه ارتباطات اقتصادی با ایران، به نوعی تحریم‌های جدید امریکا شکننده است. وی اظهار داشت: درست است ما با امریکا رابطه اقتصادی مستقیمی نداریم اما امریکا با دخالت‌های خود در همه کشورهای دنیا مشکلاتی را برای کشورهایی که با ما رابطه اقتصادی دارند به وجود آورده است.

امروز تنها راهکار برون رفت ایران از بحران‌های اقتصادی که مشکلاتی را در معیشت مردم ایجاد کرده است، اجرای دقیق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. عضو کمیسیون برنامه و بودجه تأکید کرد: جمهوری اسلامی باید برای مقابله با تحریم‌های جدید امریکا نسخه واحدی داشته باشد، نباید مثل گذشته زمان را تلف کنیم و بعد از اقدامات امریکا استراتژی خود را تدوین کنیم. با تشکیل ستاد ویژه تدابیر اقتصادی می‌توان برنامه ریزی دقیقی برای مقابله با تحریم‌های جدید امریکا کرد. وی گفت: اجرای مصوبات ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی باید به صورت دقیق و جدی پیگیری شود، باید ستاد تدابیر ویژه، مصوباتی داشته باشد که در میدان عمل قابل اجرا باشد تا تحریم‌های جدید امریکا همانند گذشته تأثیری در اقتصاد کشور و مسیر پیشرفت ایران نداشته باشد.